



A Critical Analysis of the Dominant View on the Non-Obligation of Individual 'Umrah ('Umrah al-Mufradah)

Seyed Mahdi Ahmadinik¹ | Seyedeh Jamileh Hashemnia²

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran; Lecturer of Advanced Level, Khorasan Seminary, Mashhad, Iran. Email: ahmadinik@razavi.ac.ir
2. PhD Graduate in Quranic Sciences and Hadith, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. Email: hashemnia.jamile@razavi.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 5 September 2025

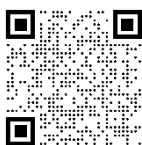
Revised: 5 October 2025

Accepted: 15 November 2025

Available online 3 December 2025

Keywords:

Critical Analysis,
'Umrah Mufradah,
Obligation,
Recommendation,
Atimmū "اتيمو".



ABSTRACT

Different interpretations of the word "اتيمو" (*Atimmū*) in the noble verse 196 of Surah Al-Baqarah, as well as the relevant narrations, have led to two distinct approaches among Imami jurists and commentators regarding the issue of the obligation or recommendation of performing 'Umrah Mufradah (individual 'Umrah) when possible, for those residing outside Mecca who possess the capability (*istitā'ah*). The majority (*Mashhūr*) have issued a fatwa for non-obligation, while a minority have issued a fatwa for its obligation. There are two verses in the Holy Quran whose varying interpretations and related narrations have caused this disagreement, the aforementioned verse being one of them. This study, employing a descriptive-analytical methodology, first examines the lexical meaning of "atimmū" in both classical and contemporary Arabic lexicons, and then critically evaluates the juristic viewpoints and their evidences. The study concludes that this word in the mentioned verse means "to establish" and that the narrations indicate the obligation of 'Umrah Mufradah upon one who is able (*Mustatī'*). The dominant view regarding the non-obligation of 'Umrah Mufradah for those at a distance was based on a time when the ability (*Istītā'ah*) to perform 'Umrah was not separate from the ability to perform Hajj. However, due to the significant difference between the costs of *Hajj al-Tamattu'* and 'Umrah al-Mufradah, it is possible for an individual to be capable of performing 'Umrah without possessing the means for Hajj. Accordingly, the obligation of 'Umrah al-Mufradah for such individuals is the stronger opinion (*Aqwā*), or at the very least, it is required as a matter of obligatory precaution (*Ihtiyāt Wājib*).

Cite this article : Ahmadinik, S.M.; Hashemnia, S.J. (2025). A Critical Analysis of the Dominant View on the Non-Obligation of Individual 'Umrah ('Umrah al-Mufradah). *Jurisprudence of worship Doctrines*, 6(10), 5-32.
<https://doi.org/10.30513/jwd.2025.7427.1240>



© The Author(s)

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences



تحلیل انتقادی دیدگاه مشهور درباره عدم وجوب عمره مفرده

سید مهدی احمدی نیک^۱ | سیده جمیله هاشم‌نیا^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران؛ استاد دروس

خارج فقه و اصول حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. رایانامه: ahmadinik@razavi.ac.ir

۲. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه:

hashemnia.jamile@razavi.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲ کلیدواژه‌ها: تحلیل انتقادی، عمره مفرده، وجوب، استحباب، اَتَمُوا. 	برداشت‌های متفاوت از واژه «اَتَمُوا» در آیه شریفه ۱۹۶ سوره مبارکه بقره و نیز روایات وارده، مسئله وجوب یا استحباب عمره مفرده در صورت استطاعت برای نائیان از مکه را با دو رویکرد متفاوت در میان فقیهان و مفسران امامی روبه‌رو کرده است. مشهور، فتوا به عدم وجوب، و غیرمشهور، فتوا به وجوب داده‌اند. دو آیه در قرآن کریم وجود دارد که برداشت‌های متفاوت از آن‌ها و نیز روایات وارده سبب این اختلاف شده است که آیه مذکور یکی از آن‌هاست. پژوهش حاضر، پس از بررسی واژه «اَتَمُوا» در قاموس‌های متقدم و متأخر، به بررسی دیدگاه‌ها و مستندات با روش توصیفی - تحلیلی پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که این واژه در آیه مذکور به معنای «برپا داشتن» است و روایات، ظهور در وجوب عمره مفرده بر مستطیع دارد. دیدگاه مشهور مبنی بر عدم وجوب عمره مفرده بر نائیان، ناظر به زمانی بوده که استطاعت عمره منفک از استطاعت حج نبوده است، اما امروزه با توجه به تفاوت هزینه‌های حج تمتع با عمره مفرده، موضوع تغییر کرده و ممکن است استطاعت انجام عمره برای فردی حاصل باشد، اما استطاعت حج نباشد. ازاین‌رو، وجوب عمره مفرده بر چنین افرادی اقوی و حداقل مقتضای احتیاط واجب است.

استناد: احمدی نیک، سید مهدی؛ هاشم‌نیا، سیده جمیله. (۱۴۰۴). تحلیل انتقادی دیدگاه مشهور درباره عدم وجوب

عمره مفرده. آموزه‌های فقه عبادی، ۶(۱۰)، ۵-۳۲. <https://doi.org/10.30513/jwd.2025.7427.1240>



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی

مقدمه

عمره مفرده یکی از اعمال عبادی مهم در اسلام است که بسیاری از مسلمانان در طول زندگی، به ویژه سالیانه، به انجام آن می‌پردازند. این عبادت فرصتی برای تقرب به خداوند و تجربه احساسات روحانی و معنوی است. قرآن کریم و روایات متعدد به اهمیت و فضیلت حج اشاره کرده‌اند، چه حج اکبر که علاوه بر اعمال عمره شامل رفتن به مشاعر مقدسه، وقوف، قربانی، رمی جمرات و بیتوته در منا است و چه حج اصغر که به معنای عمره مفرده می‌باشد.

یکی از اسرار و حکمت‌های دعوت به حج، هدایت مردم به سرزمین نور و تجربه آثار شگرف و اعجاز‌آمیز اعمال حج است. این تجربه، موجب می‌شود مسلمانان به فواید عظیم آن در جنبه‌های مختلف زندگی پی ببرند؛ از طهارت روح و تهذیب اخلاق گرفته تا تنظیم امور اقتصادی و سیاسی و تحکیم پایه‌های جامعه جهانی. همچنین، از منظر سیر و سلوک باطنی و تقرب به عالم قدس ربوبی، حج موجب دریافت نور هدایت الهی، ارتقای روح و دوری از تعلقات مادی و فراهم شدن زمینه انس با خدا و دل‌بستگی به او می‌شود.

اعمال حج از جمله پوشیدن لباس احرام، گفتن «لبیک»، طواف بیت‌الله، سعی و وقوف در عرفات و مشعر الحرام، رمی جمرات، قربانی و بیتوته در منا، مسیر تکاملی نفس و عروج روحانی قلب را نشان می‌دهد. گرایش طبیعی انسان به کعبه، گرایشی معمولی و عادی نیست، بلکه مجذوبیتی خارق‌العاده و ناشی از جعل و قرارداد الهی است. این مجذوبیت، ریشه در گرایش مردم به اهل بیت پیامبر اکرم علیهم‌السلام و اجابت دعای حضرت ابراهیم علیه‌السلام دارد: «فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» (ابراهیم: ۳۷). با توجه به اهمیت و آثار معنوی و اجتماعی حج، مسئله وجوب یا عدم وجوب عمره مفرده برای کسانی که استطاعت دارند، علاوه بر حج، موضوعی است که همواره مورد بحث فقهای بزرگ قرار گرفته و نظرات متفاوتی درباره آن ابراز شده است. از دیدگاه برخی از فقها، که این دیدگاه مشهور نیز محسوب می‌شود، عمره مفرده عملی مستحب است و تأکیدی بر انجام آن وجود ندارد. در مقابل، گروهی دیگر از

فقها معتقدند که عمره مفرده بر هر مسلمانی که استطاعت انجام آن را دارد، واجب است. این دیدگاه‌ها، همان گونه که در کتاب‌های فقهی مختلف ذکر شده است، بر اساس دریافت فقها از منطوق یا مفهوم آیات معدود و روایات متعدد و غالباً صحیح منابع اسلامی شکل گرفته‌اند.

اصلی‌ترین آیات مورد بحث در این زمینه، آیه ۹۷ سوره آل عمران: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ و آیه ۱۹۶ سوره بقره: ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...﴾ می‌باشند. یکی از محورهای مناقشه در مسئله وجوب یا استحباب عمره مفرده، مفهوم لغوی واژه «أَتِمُّوا» در آیه اخیر است. این واژه به دلیل آثار فقهی آن از دیرباز محل اختلاف فقهای گرانقدر بوده است؛ زیرا اگر «أَتِمُّوا» به معنای «تمام و کامل کردن» امری تفسیر شود، از آیه وجوب عمره استفاده نمی‌شود و صرفاً بیان می‌کند که اگر عمره را آغاز کردید، آن را کامل و به پایان برسانید. اما اگر این واژه به معنای «اقامه و ادا کردن» فهمیده شود، از آن وجوب عمره مفرده استنباط خواهد شد.

از این رو هدف این پژوهش، علاوه بر بیان دیدگاه برخی از فقیهان صاحب نام، واکاوی دقیق دیدگاه لغویان و مفسران در بیان معنا و مفهوم واژه «أَتِمُّوا» در آیه مذکور و بیان نحوه دلالت آن بر وجوب عمره مفرده و نیز روایات وارده است که پس از بیان دیدگاه‌های مختلف درباره وجوب یا عدم وجوب عمره مفرده بدان پرداخته می‌شود. بدین ترتیب با واکاوی فقهی، تفسیری و لغوی می‌توان در جهت تکمیل استدلال‌های فقهای عظام در تأیید یا رد وجوب عمره مفرده گامی نوین برداشت و با نگاه جامع‌تری ادعای نهایی را اثبات کرد.

۱. پیشینه پژوهش

برخی از منابعی که بحث‌هایی درباره وجوب عمره مفرده مطرح نموده‌اند، عبارت‌اند از: «احکام الحج» نوشته شهید سید محمد باقر صدر؛ این کتاب به بررسی جوانب مختلف فقهی و احکام حج و عمره پرداخته و دیدگاه‌های گوناگون درباره وجوب عمره مفرده را مورد بحث قرار می‌دهد. «مناسک الحج والعمرة» نوشته آیت الله سید علی سیستانی؛ این کتاب از منابع فقهی است که به تفصیل به بیان احکام و

مسائل مربوط به حج و عمره می‌پردازد. منبع دیگر در این باره «تحریر الوسیله» تألیف مرحوم امام خمینی رحمته الله علیه است؛ در این کتاب، امام خمینی رحمته الله علیه به تبیین مسائل فقهی مربوط به حج و عمره پرداخته و بخشی را به احکام عمره مفرده اختصاص داده است. علاوه بر این‌ها، مقالاتی نیز در زمینه وجوب یا عدم وجوب عمره مفرده و ادلهٔ مربوط به آن نگاشته شده است؛ از جمله «نگاهی به وجوب عمره همراه با حج افراد و قرآن و ...» به قلم محمد رحمانی (۱۳۷۶ش)، «العمره المفردة للأفاقی... وجوبها و عدمه» از علی فاضل الصددی (۱۴۳۸ق) و «عمره مفرده یا مبتوله» از محمد علی مقدادی (۱۳۸۶ش). در دو مقاله نخست، نویسنده بر اساس ادله به بررسی وجوب و عدم وجوب عمره مفرده می‌پردازد که بیشتر جنبه گزارش اقوال و در مواردی استناد و تبیین دارد، و در مقاله سوم، وجوب عمره رد شده و استحباب آن مورد تأیید مؤلف قرار گرفته است. چنان که مشاهده می‌شود، در هیچ‌یک از این آثار، به بحث و بررسی واژه «اتموا» و دیدگاه مفسران در کنار مستندات فقیهان با رویکرد پژوهشی پرداخته نشده و علی‌رغم جست‌وجوی گسترده در میان پژوهش‌های سامان‌یافته، اثری که به‌طور خاص به مفهوم‌شناسی این واژه در آیه ۱۹۶ سوره بقره، همراه با دیدگاه مفسران و فقیهان، به‌صورت جامع و تحلیلی و با هدف بررسی وجوب یا عدم وجوب عمره مفرده پرداخته باشد، مشاهده نگردید. بدین ترتیب، واکاوی فقهی، تفسیری و لغوی این مسئله می‌تواند گامی در جهت تقویت برخی و نقد برخی دیگر از استدلال‌های موجود باشد و با رویکردی اجتهادی، ادعای نهایی پژوهش را استوار سازد.

از این رو، پژوهش حاضر که سعی نموده است با بحثی نسبتاً جامع به بررسی عمره مفرده، همراه با تحلیل انتقادی دیدگاه مشهور میان متأخران و واکاوی مستندات بپردازد، غیرمستبوق به سابقه بوده و تلاشی نوآورانه در تحلیل مستندات قابل ارزیابی است.

۲. مفهوم‌شناسی

بدیهی است یکی از مهم‌ترین مبانی فهم آیات قرآن، درک معنای واژگان آن در بافت و سیاق آیات است. از این رو، بازایی معنای واژگان قرآنی در کتاب‌های لغت و

دریافت دیدگاه‌های دانشمندان و متخصصان لغت‌شناسی قرآن و تحلیل و بررسی آن‌ها می‌تواند به دستیابی به نتیجه‌ای متقن‌تر و مطمئن‌تر در فهم آیات منجر شود و به نوبه خود، ثمرات گوناگونی، از جمله ثمرات فقهی، به دنبال داشته باشد. بر این اساس، در پژوهش حاضر که در صدد بازخوانی حکم عمره مفرده با تکیه بر مفاد آیات و روایات است، تبیین واژه «أَتَمُّوا» در آیه ۱۹۶ سوره بقره می‌تواند به فرایند استنباط کمک نماید. از این رو، لازم است این واژه در کتاب‌های لغت بررسی شود تا ثمره فقهی آن نیز که منجر به صدور حکم وجوب عمره مفرده از سوی برخی فقیهان شده است، روشن گردد. بر همین مبنا، در ادامه، چکیده دیدگاه‌های واژه‌نگاران، حتی الامکان بدون تکرار بیان، ارائه می‌شود تا پس از بررسی جداگانه، در نهایت برآیند کلی آن‌ها عرضه گردد.

ازهری، از واژه‌نگاران صاحب‌نام، در مقام توضیح و تبیین واژه «أَتَمُّوا»، روایتی از پیامبر اعظم ﷺ نقل می‌کند که فرمود: «وقتی به نماز می‌آیید، نیایید در حالی که شتابان هستید، بلکه با آرامش بیایید؛ به هر مقداری که به نماز رسیدید، بخوانید و آنچه را که از دست دادید، کامل کنید» (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۸، ص ۲۵۸). بنابراین ازهری، طبق روایت یادشده که برای توضیح معنای این واژه آورده است، «أَتَمُّوا» در این آیه به معنای «کامل کردن» می‌باشد.

یکی دیگر از واژه‌نگاران، دو قول در معنای اتمام حج و عمره در آیه شریفه بدین گونه نقل نموده است: الف) گفته شده اتمام آن‌ها (حج و عمره) بدین معناست که هزینه‌ها حلال باشد و از آنچه خداوند از آن نهی کرده است، اجتناب شود. ب) گفته شده اتمام آن‌ها به معنای انجام تمام اعمال مرتبط با آن‌ها، از جمله وقوف، طواف و غیره است (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۴۶۹). از این رو، برآیند معنای واژه «أَتَمُّوا» را می‌توان به معنای «صحت عمل» دانست؛ به گونه‌ای که مستلزم، اولاً بهره‌گیری از مال حلال برای سفر حج و عمره، ثانیاً انجام همه اعمال آن‌ها و ثالثاً اجتناب از محرمات باشد.

نزدیک به همین معنا را حمیری، یکی دیگر از واژه‌نگاران، در تبیین «أَتَمُّوا» بیان کرده و می‌نویسد: «﴿وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ أي قوموا بأمرهما». (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۲،

تحلیل انتقادی دیدگاه مشهور درباره عدم وجوب عمره مفرده / سید مهدی احمدی نیک و. ۱۱

ص ۷۰۹). براساس این معنا، واژه «أَتَمُّوا» به مفهوم «برپا داشتن» است و روشن است که برپا داشتن، مفهومی فراتر از انجام صرف ظاهری اعمال دارد؛ همان گونه که مؤلف تفسیر تسنیم نیز به این نکته تصریح کرده و فرموده است: اقامه نماز غیر از خواندن آن است (جوادی آملی، بی تا، ج ۲، ص ۱۶۵). برخی دیگر نیز به همین معنا اشاره نموده اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۲۰۹).

فیومی در معنای «أَتَمُّوا» تفصیل بیشتری ارائه کرده است. وی در توضیح ماده «تَمَّ یَتِمُّ» می گوید: این واژه به معنای کامل شدن و تکمیل شدن اجزای یک چیز است؛ برای مثال، زمانی که ماه کامل می شود و تعداد روزهای آن به سی روز می رسد، به آن «تَامَ» گفته می شود (فیومی، ۱۴۱۴ ق، ص ۷۷). براین اساس، آنچه فیومی در مصباح المنیر بیان داشته، دلالت بر آن دارد که «أَتَمُّوا» به معنای کامل کردن و رسیدن به کمال نهایی است و بدین معنا خداوند از بندگان خواسته است که حج و عمره خود را به طور کامل به انجام رسانند.

مرحوم طریحی، افزون بر نقل دیدگاه های دیگران، نظر خود را در معنای این واژه چنین بیان می کند: «وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» أي قوموا بأمرهما والإتمام القیام بالأمر. وَأَتَمَّمْتُ الشَّيْءَ: أَمَلْتُهُ. ومنه قوله: «مِثْمُ نُورِهِ» أي مکمله. (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۶، ص ۲۱ و ۲۲). به نظر می رسد طریحی در تبیین معنای واژه «أَتَمُّوا» طریق جمع را برگزیده و این واژه را در آیه، هم به معنای قیام و برپا داشتن حج و عمره و هم به معنای کامل کردن آن قیام دانسته است.

بسیاری از واژه نگاران، اتمام را به معنای برپا داشتن و انجام عمل همراه با همه اموری که در آن معتبر است، معنا کرده اند؛ هرچند تعابیر آنان متفاوت است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲، ص ۶۷؛ واسطی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۶، ص ۷۵؛ حمیری، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص ۷۰۹؛ فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۷۷؛ طریحی، ۱۴۱۶ ق، ج ۶، ص ۲۲). براین اساس، درباره واژه «أَتَمُّوا» هرچند دو معنا قابل برداشت است - نخست، تکمیل پس از شروع، و دوم، برپا داشتن، آغاز و انجام عمل - اما معنای دوم شایع تر بوده و از شهرت بیشتری برخوردار است؛ امری که توجه به آن می تواند در استدلال به آیه و برداشت معنای دقیق تر از آن مؤثر باشد.

اینک برای روشن‌تر شدن بحث، ابتدا به تفسیر آیه شریفه «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» (بقره: ۱۹۶) اشاره می‌شود و سپس دیدگاه فقهای عظام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. تفسیر آیه

استدلال به آیات قرآن، نخستین و مهم‌ترین روش استدلال در اثبات احکام شرعی است. برای اثبات وجوب عمره مفرده، اساساً به دو آیه از قرآن کریم، یعنی آیه ۱۹۶ سوره بقره و آیه ۹۷ سوره آل عمران، استناد می‌شود. در پژوهش حاضر، با توجه به موضوع مورد بحث که بخشی از آن مبتنی بر برداشت وجوب یا عدم وجوب عمره از مفاد آیه شریفه «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» (بقره/۱۹۶) است، به تفسیر این آیه اشاره می‌شود.

صناعی درباره آیه «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» چنین روایت می‌کند: «هما واجبتان: الحج والعمرة لله» (صناعی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۹۱). این مفسر، فعل امر «أَتِمُّوا» را در این آیه، حاکی از وجوب حج و عمره و لزوم ادای این دو عمل دانسته است.

مرحوم عیاشی در این باره، چند روایت از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل کرده و با تکیه بر آن‌ها، بر وجوب عمره مفرده بر اساس تفسیر معصوم علیه السلام از واژه «أَتِمُّوا» تأکید نموده است (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۸۷).

صابونی در ذیل آیه مذکور چنین آورده است: «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ، أي أدومها تأمين بأركانها وشروطهما لوجه الله تعالى» (صابونی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۱۵). وی «أَتِمُّوا» را در این آیه به معنای ادا کردن و به جا آوردن حج و عمره به طور کامل، همراه با ارکان و شرایط آن دو و برای رضای خدا دانسته است.

مرحوم شیخ طوسی نیز در ذیل آیه شریفه چنین آورده است که درباره اتمام حج و عمره، چند دیدگاه وجود دارد. وی پس از نقل این دیدگاه‌ها، نظر خود را درباره وجوب عمره به صراحت بیان کرده و می‌نویسد: «والعمرة واجبة كوجوب الحج» (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵۴). وی در ادامه می‌افزاید که معنای «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ»، اقامه و انجام حج و عمره است؛ زیرا این دو واجب می‌باشند.

مرحوم امین الاسلام طبرسی نیز در این باره چنین آورده است: «ثم بين سبحانه فرض الحج والعمرة على العباد بعد بيانه فريضة الجهاد فقال: وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ،

تحلیل انتقادی دیدگاه مشهور درباره عدم وجوب عمره مفرده / سید مهدی احمدی نیک و. ۱۳

أَيُّ أَتَوْهُمَا بِمَنَاسِكَهُمَا وَحُدُودَهُمَا وَتَأْدِيَةَ كُلِّ مَا فِيهِمَا ... وَالْعُمْرَةُ وَاجِبَةٌ عِنْدَنَا» (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۵۱۷). براین اساس، خداوند وجوب حج و عمره را بر بندگان بیان نموده و تعبیر «وَأَتُّمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» به معنای انجام و اقامه حج و عمره است و در ادامه تصریح می‌کند که حج و عمره در نزد امامیه واجب می‌باشند.

مرحوم حویزی در تفسیر خود، به نقل از مرحوم کلینی، روایت کرده است که امام صادق (ع) فرمود: «وَأَتُّمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ يَغْنِي بَتَمَامِهِمَا أَدَاءَهُمَا وَاتِّقَاءَ مَا يَتَّقِي الْمُحْرِمُ فِيهِمَا». مفاد این روایت، انجام کامل مناسک حج و عمره و نیز اجتناب از اموری است که بر شخص مُحَرَّم حرام می‌باشد (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۸۳).

مرحوم موسوی سبزواری نیز در ذیل آیه شریفه آورده است: «والمراد بإتمام الحج والعمرة، إتيانها تامين بأجزائهما وشرائطهما بحسب ما شرعه الله عزوجل، وشرحته السنة الشريفة» (موسوی سبزواری، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۷).

آیت الله جوادی آملی در تفسیر این آیه می‌فرماید: دو عمل عبادی حج و عمره را باید برای خدای سبحان به جا آورد و پس از شروع، آن‌ها را به اتمام رساند، و اگر مُحَرَّم به سبب بیماری یا مانع شدن دشمن از به پایان بردن آن‌ها بازماند، باید آنچه میسر است برای خدای متعالی قربانی کند (جوادی آملی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۳).

آنچه از مجموع این تفاسیر به دست می‌آید، این است که عمره مفرده همانند حج واجب بوده و هر یک باید بر اساس اجزاء و شرایط مقرر انجام شود.

مرحوم علامه طباطبائی نیز فرموده است که تمام شدن یک شیء عبارت است از انضمام جزئی به سایر اجزاء، به گونه‌ای که با چنین انضمامی، اثر مطلوب بر آن مرتب گردد (طباطبائی، ۱۳۵۲ش، ج ۲، ص ۴۵). آیت الله مکارم شیرازی نیز بیان می‌کنند که مراد از آیه شریفه «وَأَتُّمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» این است که پیش از هر چیز، باید به انگیزه‌های این دو عبادت توجه شود و توصیه می‌کند که جزانگیزه الهی و قصد تقرب به ذات پاک او، انگیزه دیگری در کار نباشد، و عمل نیز به مقتضای «وَأَتُّمُوا» از هر جهت کامل و جامع باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۴۲).

از مجموع این دو تفسیر چنین استفاده می‌شود که انسان باید حج و عمره را با تمام اجزاء و شرایط مقرر، از جمله با انگیزه الهی و قصد قربت، به جا آورد تا اثر

مطلوب بر آن مترتب گردد و این مفسران از ورود به این بحث که آیا عمره مفرده با تحقق شرایط، واجب است یا خیر، خودداری نموده‌اند.

۴. دیدگاه‌های فقهی

چنان‌که بیان خواهد شد، فقیهان امامیه درباره وجوب یا عدم وجوب عمره مفرده اختلاف نظر داشته‌اند؛ برخی آن را همانند حج و در صورت تحقق استطاعت، واجب دانسته‌اند و برخی دیگر، حتی با وجود شرایط، آن را واجب ندانسته و تصریح کرده‌اند که وجوب عمره، منفک از وجوب حج تمتع نیست. اختلاف درباره وجوب یا عدم وجوب عمره مفرده، مبتنی بر برداشت از آیه شریفه و روایات وارده است؛ از این رو، ابتدا دیدگاه فقیهان به ترتیب تاریخی در این زمینه بیان می‌شود و سپس به بررسی دلایل هریک پرداخته خواهد شد.

۴-۱. وجوب عمره مفرده

بسیاری از فقیهان امامی به وجوب عمره مفرده تصریح کرده و گفته‌اند که در صورت انجام حج تمتع، عمره مفرده از مکلف ساقط می‌شود. در ابتدا یادآوری می‌شود که هرچند برخی از دانشوران نوشته‌اند شیخ مفید در کتاب *المقنعه*، با وجود بیان صورت‌های حج افراد و قرآن، از وجوب عمره مفرده سخنی به میان نیاورده است و سید مرتضی نیز در کتاب *جمل العلم والعمل* همانند شیخ مفید عمل کرده و سخنی از وجوب عمره مفرده پس از حج قرآن و افراد به میان نیاورده است (رحمانی، ۱۳۷۶ش، ص ۵۲)، از این گفته چنین برداشت شده که مرحوم سید مرتضی رحمه الله همانند مرحوم شیخ مفید قائل به وجوب عمره مفرده نبوده است.

با این حال، باید توجه داشت که درباره وجوب عمره مفرده، شاید نخستین فقیهی که به صراحت بحث وجوب عمره مفرده را مطرح کرده، مرحوم سید مرتضی علم‌الهدی باشد. دیدگاه ایشان در این باره چنین است: حج در تمام مدت عمر، یک بار واجب است و همچنین عمره مفرده نیز بر هر انسان، یک مرتبه واجب می‌باشد (سید مرتضی، ۱۴۰۵ق، ص ۶۳). با دقت در عبارت مرحوم سید مرتضی روشن می‌شود که وی وجوب عمره مفرده را همانند حج، یک بار در طول عمر بر هر انسان

تحلیل انتقادی دیدگاه مشهور درباره عدم وجوب عمره مفرده / سید مهدی احمدی نیک و. ۱۵

واجب دانسته است؛ اما این که انجام حج تمتع، مجزی از عمره مفرده باشد، بحث دیگری است که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بنابراین، نمی توان گفت اگر فردی برای عمره مفرده مستطیع شود، ولی برای حج تمتع استطاعت نداشته باشد، عمره مفرده بر او واجب نخواهد بود.

مرحوم شیخ طوسی، فقیه و متکلم شیعی که به عنوان بنیان گذار اجتهاد شیعه و صاحب دو کتاب حدیثی معتبر از کتب اربعه حدیثی شیعه شناخته می شود، در بحث مذکور معتقد است که عمره همانند حج واجب است و می نویسد: «العمره فريضة مثل الحج» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۶۲؛ طوسی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۳۰۴). وی در موضعی دیگر نیز بر وجوب عمره تأکید کرده و تصریح نموده است که عمره مفرده همانند حج واجب بوده و شرایط آن نیز همانند شرایط حج است و در صورت انجام حج تمتع، عمره مفرده ساقط می شود (طوسی، ۱۳۷۵ش، ص ۳۱۰).

همچنین، وی در جای دیگری، ضمن تأکید بر وجوب عمره همانند حج، به اقوال بسیاری از قائلان به وجوب اشاره کرده و چنین نگاشته است: «العمره فريضة مثل الحج، وبه قال الشافعي، وبه قال ابن عمر، وابن عباس، وسائر الصحابة، و... دليلاً: قوله تعالى: ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ (البقرة: ۱۹۶)، والإتمام لا يتم إلا بالدخول، فوجب الدخول أيضاً. وروي عن ابن مسعود أنه قرأ: «وَأَقِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ». وأيضاً فإن الله تعالى قرن العمره بالحج في قوله: ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ بلفظ واحد، فإذا كان الحج واجباً فالعمره مثله. وأيضاً عليه إجماع الفرقه. وأيضاً فإذا اعتمر برئت ذمته بلا خلاف، وإذا لم يعتمر لم تبرأ ذمته بيقين، فالاحتياط يقتضي فعلها» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۶۳-۲۶۴).

در این عبارت، مرحوم شیخ طوسی به صراحت از وجوب عمره مفرده سخن گفته و تصریح نموده است که این وجوب از آیه شریفه «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» قابل برداشت است؛ همان گونه که وجوب حج نیز از همین آیه برداشت می شود. وی در استدلال بر این مدعا بیان می کند که حج و عمره به صورت مقترن و با یک تعبیر در آیه ذکر شده اند و اگر بر اساس آیه، حج واجب باشد، عمره نیز همانند آن واجب خواهد بود و این مطلب را مورد اجماع امامیه دانسته است.

مرحوم محقق حلی رحمته الله نیز عمره مفرده را واجب دانسته و فرموده است که در صورت انجام حج تمتع، عمره مفرده از مکلف ساقط می‌شود (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۵۳). وی همچنین بیان کرده است: «الثاني في شرائط وجوبها وشرائط وجوبها شرائط وجوب الحج ومع الشرائط تجب في العمر مرة» (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۷۴).

مرحوم علامه حلی، که از فقهای بزرگ امامیه است، همانند مرحوم شیخ طوسی معتقد به وجوب عمره همانند حج می‌باشد و در **منتهی المطلب** چنین آورده است: «العمره فريضة مثل الحج، ذهب إليه علماؤنا أجمع» (حلی، ج ۱، ص ۱۷). براین اساس، عمره مفرده همانند حج در نزد علمای امامیه واجب است و کسانی که آن را غیر واجب، نافله یا مستحب دانسته‌اند را «اصحاب رأی» عنوان کرده است؛ منظور ایشان گروهی از فقیهان است که به جای اتکا به نصوص دینی (مانند قرآن و حدیث)، بیشتر بر اجتهاد و نظر شخصی خود متکی بودند.

مرحوم ابن ادریس حلی نیز عمره را همانند حج واجب دانسته و به صراحت نوشته است: «العمره فريضة مثل الحج، لا يجوز تركها، ومن تمتع بالعمره إلى الحج، سقط عنه فرضها» (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۳۳).

ابن براج نیز عمره را همانند حج واجب دانسته و نوشته است: «العمره واجبة بالحج، ... وهي على ضربين، عمره متمتع بها إلى الحج، والأخر عمره مفردة منه» (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۱۱؛ ونیز رک: ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۱۵۷). براین اساس، عمره همانند حج واجب است و بر دو قسم تقسیم می‌شود: عمره تمتع و عمره مفرده.

مرحوم صاحب جواهر عمره مفرده را همانند حج تمتع واجب دانسته و ادعای اجماع محصل و منقول بر آن را مطرح کرده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۴۴۳). همچنین، مرحوم محقق اردبیلی واجب دانسته و معتقد است کسی که حج تمتع انجام داده، عمره مفرده بر او واجب نیست و دلیل آن را اجماع بیان کرده و نگاشته است: «دليله الإجماع المفهوم من المنتهى» (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۳۸۷).

برخی از محققان معاصر نیز نوشته‌اند که منسوب به فقهای امامیه است که عمره همانند حج واجب است، هر چند فقهای عامه درباره وجوب یا عدم وجوب آن اختلاف نظر دارند (سیستانی، ۱۴۳۷ق، ج ۹، ص ۴۷).

تحلیل انتقادی دیدگاه مشهور دربارهٔ عدم وجوب عمره مفرده / سید مهدی احمدی نیک و. ۱۷

چنان که مشاهده می شود، این دسته از فقیهان عمره را به دو قسم تقسیم کرده اند: عمره تمتع و عمره مفرده و براین باورند که عمره مفرده همانند حج، با تحقق شرایط بر انسان واجب است؛ اما اگر کسی حج انجام داده باشد، عمره مفرده از او ساقط می شود.

۴-۲. عدم وجوب عمره مفرده

در برابر قول اول، برخی از فقها بر آنند که کسی که وظیفه اش حج تمتع است و حتی اگر مستطیع برای عمره مفرده باشد، عمره مفرده بر او واجب نیست. از این دسته، چند فقیه از جمله مرحوم محقق یزدی هستند که قائل به عدم وجوب عمره مفرده بر کسی که وظیفه اش حج تمتع است، بوده و تصریح کرده اند که ولو مستطیع برای عمره باشد، دون الحج، عمره مفرده بر او واجب نمی شود. ایشان این قول را اقوی دانسته اند، اما در پایان فرموده اند که احوط، اتیان به عمره مفرده است که مرادشان از این «احوط»، احتیاط مستحبی است، زیرا پس از فتوا این نکته را بیان کرده اند.

با این حال، چند نفر از بزرگان مانند مرحوم آیت الله گلپایگانی و آیت الله بروجردی با مرحوم محقق یزدی مخالفت کرده و فرموده اند که احتیاط واجب در اتیان به عمره مفرده است (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۵۹۸).

همچنین، مرحوم آیت الله خوئی اگرچه در ابتدا قائل به وجوب عمره مفرده شده و در این باره نوشته اند:

«وَأَمَّا حُكْمُهَا فَإِنَّهُ كَمَا يَجِبُ الْحَجُّ عَلَى كُلِّ مُكَلَّفٍ مُسْتَطِيعٍ مَرَّةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ الْعُمْرَةُ تَجِبُ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ أَيْضاً. وَقَدْ اسْتَدِلَّ عَلَى وَجُوبِهَا بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ. أَمَّا الْكِتَابُ فَقَوْلُهُ تَعَالَى: وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ» (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۷، ص ۱۳۳)؛ اما در ادامه تصریح می کنند که مشهور آن است که اگر کسی برای عمره مستطیع باشد و برای حج مستطیع نباشد، عمره مفرده واجب نمی باشد و رأی مشهور، صحیح است.^۱

۱. «وقع الكلام في أنه هل تجب العمرة المفردة فقط على من وظيفته حج التمتع إذا استطاع للمفردة ولم يكن مستطيعاً للحج، فلو استطاع في شهر رجب مثلاً للعمرة ولم يكن مستطيعاً لحج التمتع فهل تجب عليه العمرة؟ أو من كان أجيراً وبعد الفراغ عن أعماله هل تجب عليه العمرة لتمكنه منها حينئذ أم لا؟ المشهور عدم الوجوب بل أرسله بعضهم إرسال المسلمات وهو الصحيح» (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۷، ص ۱۳۳).

از فقیهان معاصر، مرحوم امام خمینی ره و برخی دیگر نیز بر این باورند که کسی که وظیفه اش حج تمتع است، مانند اشخاصی که از مکّه شانزده فرسنگ شرعی دور باشند، اگر استطاعت برای عمره داشته باشند ولی برای حج نداشته باشند، عمره مفرده بر آنان واجب نیست؛ مانند کسانی که به نیابت حج می‌کنند، گرچه احتیاط آن است که به جا آورده شود (امام خمینی، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۳۶؛ امام خمینی، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۱).

هر دو مناسک با حواشی مراجع معظم تقلید بیش از ده مرجع تدوین شده و به جز دو نفر، کسی بر این فتوی حاشیه‌ای ندارد؛ معنای آن، عدم اختلاف دیدگاه در این باره است. تنها از میان معاصران، دو نفر (آیت الله مکارم شیرازی و موسوی اردبیلی) در ذیل فتوای مرحوم امام خمینی، فتوی به احتیاط واجب داده‌اند (امام خمینی، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۳۶).

مقام معظم رهبری نیز بر این باورند که اگرچه عمره مفرده واجب است همانند حج، به طوری که اگر کسی استطاعت برای انجام عمره داشته باشد و برای حج نداشته باشد، عمره بر او واجب است و بالعکس، اما وظیفه نائیان از مکّه، حج تمتع است؛ زیرا برای اینان استطاعت برای عمره منفک از استطاعت برای حج نمی‌باشد (خامنه‌ای، ۱۴۲۶ ق، ص ۳۹).

برخی دیگر نیز تصریح کرده‌اند که بر کسی که وظیفه اش حج تمتع است و ولو مستطیع برای عمره باشد و برای حج مستطیع نباشد، عمره واجب نمی‌باشد (خوئی، ۱۴۱۱ ق، ص ۵۵؛ فیاض، ۱۴۱۸ ق، ص ۶۸؛ تبریزی، ۱۴۱۵ ق، ص ۵۶). اما در این رابطه می‌توان گفت که از آنجا که در روایات نیز بر عمره، حج اطلاق شده و آیه هم حج را واجب دانسته، وجهی برای قول مشهور (البته شهرت غیر قدما) مبنی بر اختصاص آیه به حج دون العمره وجود ندارد.

از بررسی عبارات فقها، چند نکته قابل استفاده است:

۱. وجوب عمره مفرده از زمان مرحوم سید مرتضی علم الهدی مطرح بوده است.
۲. اگرچه فقها کلمه «عمره» را مطلق آورده‌اند و مقید به «مفرده» نکرده‌اند، اما بدون تردید مقصودشان از عمره مطلق، عمره مفرده است؛ زیرا حکم «عمره تمتع» تابع حکم «حج تمتع» است و حکم مستقلی ندارد. دست کم قدر متیقّن آن، عمره

مفرده است. از این رو هرگاه بر عنوان «عمره» حکمی بار شود، قدر متیقن از آن، عمره مفرده است و این ادعا را روایات وارده که بیان خواهد شد، تأیید می نماید. ۳. چنان که گذشت، بسیاری از فقها بروجوب عمره تصریح کرده اند و برخی از آنان مانند مرحوم شیخ طوسی و مرحوم محقق حلی فرموده اند که: «عمره تمتع، مجزی از وجوب عمره مفرده است.»

از این عبارت استفاده می شود که عمره مفرده بر همه واجب است، حتی بر کسانی که دور از مکه هستند، ولیکن عمره تمتع مجزی از آن است؛ در غیر این صورت، اجزای عمره تمتع که وظیفه اشخاص دور از مکه است، معنا نخواهد داشت.

بنابراین، برخی از فقهای معاصریا با تصریح و یا به اشاره وجوب عمره مفرده را بیان کرده اند، اگرچه مشهور در میان معاصران، عدم وجوب عمره مفرده می باشد. قبل از بیان استدلال، لازم است یادآوری شود که برخی درباره عمره نوشته اند: عمره همانند حج تقسیم می شود به واجب اصلی، واجب عرضی و مندوب؛ و واجب اصلی، عمره ای است که واجب شده به اصل شرع با شرائط مقرر (حکیم، ۱۴۱۶ق، ص ۴۵۹؛ سیستانی، ۱۴۳۷ق، ج ۹، ص ۴۰).

همچنین، عمره موضوع احکام پنجگانه - وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه - قرار می گیرد. گاهی عمره واجب است به گونه وجوب اصلی، بنا بر نظریه کسانی که عمره مفرده را مستقلاً واجب می دانند؛ مانند شخصی که نسبت به عمره استطاعت دارد ولی نسبت به حج استطاعت ندارد، و نیز مانند وجوب عمره بر اشخاص نزدیک مکه (حاضری المسجد الحرام). وجوب به گونه وجوب عرضی نیز وجود دارد؛ مانند اینکه شخصی اجیر گردد برای انجام عمره یا با نذر، عمره بر او واجب شود.

گاهی عمره مستحب است؛ مانند عمره مفرده پس از انجام حج واجب. در مواردی عمره نه واجب است و نه مستحب، بلکه نامشروع (حرام به قولی) یا مکروه است (به قول دیگر)؛ مانند عمره مفرده میان عمره تمتع و حج تمتع، و مانند عمره مفرده ای که بدون فاصله زمانی لازم میان دو عمره گزارده شود، بنا بر فتوای فقیهانی که رعایت فاصله را شرط می دانند.

۵. مستندات

۵-۱. مستندات دیدگاه اول

۵-۱-۱. مستندات قرآنی

آیه اول: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ﴾ (آل عمران ۹۷)

برای اثبات وجوب عمره مفرده می‌توان به این آیه شریفه استدلال نمود، چنان‌که برخی از فقهای عظام نیز بدان استناد کرده‌اند و گفته‌اند: این آیه شامل حج و عمره می‌شود؛ زیرا مقصود از «حج البیت»، زیارت خانه خدا و قصد و آهنگ آن است و این شامل حج و عمره می‌گردد، چراکه هریک از آن‌ها زیارت و قصد خانه خدا را دارد و مشتمل بر طواف کعبه است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۷، ص ۱۳۳).

برخی در ارتباط با استدلال به این آیه نوشته‌اند که ممکن است گفته شود: حج نام مناسک مخصوص است و انصراف به حج در زمان مخصوص دارد و شامل عمره نمی‌شود. در پاسخ باید گفت: اگرچه کلمه «حج» در مناسک خاص استعمال می‌شود، ولی این به آن معنا نیست که به عمره نیز «حج» اطلاق نشود، زیرا در روایات متعددی بر عمره نیز حج اطلاق شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۲۹۸، احادیث ۱۱، ۱۲، ۱۳). از این رو، استدلال به آیه برای اثبات عمره مفرده تمام و بدون اشکال است.

با وجود بیان این استدلال، برخی از فقها تصریح کرده‌اند که مشهور آن است که حتی اگر برای عمره مستطیع باشد و برای حج مستطیع نباشد، باز هم عمره مفرده واجب نمی‌باشد و رای مشهور صحیح است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۷، ص ۱۳۴). اما در این رابطه می‌توان گفت: چنان‌که پیش‌تر بیان شد، از آنجاکه در روایات بر عمره نیز «حج» اطلاق شده و آیه هم حج را واجب دانسته است، وجهی برای قول مشهور مبنی بر اختصاص آیه به حج دون العمره وجود ندارد.

البته برخی از محققان معاصر در استدلال به آیه اشکال نموده‌اند، اما در نهایت، به استناد روایت «عمر بن اذینه» که در ادامه بیان خواهد شد، استدلال به آیه برای وجوب عمره مفرده پذیرفته می‌شود (سیستانی، ۱۴۳۷ق، ج ۹، ص ۴۸-۵۴).

آیه دوم: ﴿وَأَتُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ (بقره/۱۹۶)

این آیه شریفه دلالت دارد بر وجوب اتمام حج و عمره و از آنجا که اتمام «لا یتحقق الا بالشروع فیه»، پس دلالت می‌کند بر وجوب اتیان به هر دو عمل، هم حج و هم عمره. وجهی ندارد که بگوییم مراد از آیه حج تمتع است که همراه با عمره تمتع می‌باشد؛ زیرا اصولاً حج تمتع جدای از عمره نیست. کلمه «حج» شامل اعمال پنجگانه عمره تمتع و اعمال حج تمتع مانند احرام در مکه، وقوف در عرفات و مشعر، رمی جمار، قربانی، حلق یا تقصیر، بیتوته در منا و غیر آن می‌شود.

برخی از مفسران حج را به سه قسم تمتع، افراد و قرآن تقسیم کرده‌اند و هر یک دارای واجبات مخصوص خود است و عمره عملی دیگر با واجبات مخصوص خود می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۷۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۹).

فقه‌ها در استدلال به آیه چنین گفته‌اند: فعل امر «اتُّمُّوا» دلالت بر وجوب دارد و از طرفی عمره با و او بر حج عطف شده است که مقتضی تساوی آن دو در وجوب است. ابن عباس گفته است: «عمره» در قرآن قرین «حج» است (حلی، علامه، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۱۸).

مرحوم شیخ طوسی رحمته الله در استدلال به آیه فرموده‌اند: اتمام حج و عمره امکان ندارد مگر پس از شروع به انجام آن‌ها؛ بنابراین وجوب اتمام، ملازمه دارد با وجوب اتیان عمل، و از علی علیه السلام و عمر روایت شده که اتمام عمره به این است که از درب خانه‌ات محرم شوی (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۶۳).

برخی از محققان معاصر نیز در استدلال به آیه شریفه بیان کرده‌اند که مفاد آیه آن است که کسی که حج یا عمره را شروع کرده، باید آن را تمام نماید؛ اما روایاتی وجود دارد که ظاهرشان این است که آیه دلالت بر وجوب انجام حج و عمره دارد و در پایان نیز وجوب عمره مفرده را نتیجه گرفته‌اند (سیستانی، ۱۴۳۷، ج ۹، ص ۵۵ و ۵۹).

از این رو، آیه شریفه دلالت بر وجوب عمره، البته «عند الاستطاعه»، دارد؛ به ویژه امروزه که استطاعت عمره کاملاً متفاوت از استطاعت حج است و ممکن است کسی استطاعت برای عمره داشته باشد اما استطاعت برای حج نداشته باشد.

مرحوم شیخ حر عاملی در وسائل، روایات زیادی را ناظر به تفسیر دو آیه فوق مبنی

بروجوب عمره مفرده آورده و عنوان باب را «بَابُ وَجُوبِهَا عَلَى الْمُسْتَطِيعِ» قرار داده است که به گونه‌ای اشاره دارد و یا مشعر به این است که مفاد روایات، وجوب عمره مفرده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۲۵۹). برخی از این روایات در بخش مستندات روایی بیان خواهد شد.

۵-۱-۲. مستندات روایی

از میان روایات فراوان، چند روایت صحیح و صریح وجود دارد که بروجوب عمره مفرده دلالت دارد. در روایتی که سنداً صحیح است،^۱ عمر بن اذینه نقل می‌کند که نامه‌ای به امام صادق (ع) نوشته و سؤالاتی مطرح کرده بود؛ برخی از این سؤالات از طریق ابن بکیر و برخی از طریق ابوالعباس به امام رسید. امام با خط خود پاسخ دادند که در مورد آیه «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»، مراد حج و عمره هر دو است، زیرا هر دو واجب‌اند و مقصود از حج البیت شامل زیارت خانه خدا و انجام مناسک آن می‌باشد که عمره نیز مشمول این حکم است. در خصوص آیه «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» نیز امام صادق (ع) فرمودند که مراد از اتمام حج و عمره، انجام کامل مناسک حج و عمره و اجتناب از محرمات احرام در حین انجام آنهاست. همچنین درباره «الحج الاکبر» توضیح داده شد که مراد حج اکبری است که شامل وقوف در عرفه و رمی جمرات باشد و مراد از حج اصغر، همان عمره است. در روایت صحیح دیگری،^۲ معاویه بن عمار نقل می‌کند که امام صادق (ع) فرمودند: عمره بر کسی که استطاعت دارد واجب است و حکم آن مانند حج می‌باشد

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدْنَةَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) بِمَسَائِلَ - بَعْضُهَا مَعَ ابْنِ بُكَيْرٍ وَبَعْضُهَا مَعَ أَبِي الْعَبَّاسِ - فَجَاءَ الْجَوَابُ بِإِثْمَانِهِ - سَأَلْتُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» - يَعْني بِهِ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ جَمِيعًا لِأَتَمُّمَا مَفْرُوضَانِ - وَسَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» - قَالَ يَعْني بِتَمَامِهِمَا أَدَاءَهُمَا - وَاتِّقَاءَ مَا يَتَّبَعِي الْمُخَرِّمَ فِيهِمَا - وَسَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى الْحَجَّ الْأَكْبَرُ - مَا يَعْني بِالْحَجِّ الْأَكْبَرِ - فَقَالَ الْحَجُّ الْأَكْبَرُ الْوُقُوفُ بِعَرَفَةَ وَرَمْيُ الْجِمَارِ - وَالْحَجُّ الْأَصْغَرُ الْعُمْرَةُ». (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۸).

۲. «مُعَاوِيَةُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: الْعُمْرَةُ وَاجِبَةٌ عَلَى الْخَلْقِ بِمِثْلِ الْحَجِّ عَلَى مَنْ اسْتَطَاعَ - لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» وَإِنَّمَا أُنْزِلَتِ الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَةِ - قَالَ قُلْتُ: لَهُ فَنَ تَمْتَعُ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ أَمْ يُجْزِي ذَلِكَ عَنْهُ قَالَ تَعَمَّ». (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۹).

تحلیل انتقادی دیدگاه مشهور درباره عدم وجوب عمره مفرده / سید مهدی احمدی نیک و. ۲۳

ودلیل آن آیه شریفه «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» است و همچنین عمره در مدینه تشریع شده است. معاویه بن عمار از امام پرسید که آیا کسی که حج تمتع را به جا آورده و در نتیجه عمره تمتع را انجام داده، از عمره مفرده معاف می شود یا خیر؟ امام پاسخ دادند: آری، انجام عمره تمتع مجزی از عمره مفرده است.

در روایت صحیح دیگر،^۱ امام صادق علیه السلام در ارتباط با معنای «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ»، فرمودند این دو واجب هستند.

در روایت صحیح دیگر،^۲ زراره از امام باقر علیه السلام نقل نموده که امام فرمودند: عمره بر مردم واجب است، همچنان که حج واجب است؛ زیرا که خداوند فرموده «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» و این آیه در مدینه نازل شده است.

روایت صحیحی از امام فضل بن صالح^۳ از قول امام صادق علیه السلام نقل نموده که امام فرمودند: عمره همانند حج واجب است.

در روایت صحیح دیگر،^۴ ابن ابی عمیر که از اصحاب اجماع است، به واسطه معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام سؤال نموده که آیا کسی که حج تمتع بجا آورده، این حج از عمره مجزی می باشد؟ امام فرمودند: آری.

روایت صحیح دیگر را عمر بن اذینه از امام صادق علیه السلام نقل می نماید^۵ که سؤال

۱. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَأْتِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ الْقُضَلِ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ - قَالَ هُمَا مَفْرُوضَانِ. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۹۵).

۲. «وَيَأْتِيهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ: الْعُمْرَةُ وَاجِبَةٌ عَلَى الْخَلْقِ بِمَثَلِ الْحَجِّ - لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ - وَإِنَّمَا نَزَلَتِ الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَةِ». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۲۹۵).

۳. «وَيَأْتِيهِ عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْعُمْرَةُ مَفْرُوضَةٌ مِثْلُ الْحَجِّ الْحَدِيثِ». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۲۹۶).

۴. «وَرَوَاهُ الْكَلْبِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلَهُ وَزَادَ فَلَمْ تَنْتَهِ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ أَجْزِئُ عَنْهُ قَالَ نَعَمْ». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۲۹۶).

۵. «وَفِي الْعِلَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدْنَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا - يَغْنِي بِهِ الْحَجُّ دُونَ الْعُمْرَةِ قَالَ لَا وَلَكِنَّهُ يَغْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ جَمِيعًا لِأَمْرِهِمَا مَفْرُوضَانِ». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۲۹۷).

نمودم از معنای قول خدای متعال که می‌فرماید: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»، آیا مراد تنها حج است و نه عمره؟ امام فرمود: خیر، بلکه مراد حج و عمره است؛ زیرا که هر دو واجب است.

روایت صحیح دیگر را چندین راوی مانند ابن ابی عمیر، حماد، صفوان بن یحیی و فضالة بن ایوب از معاویه بن عمار نقل می‌کنند^۱ که او از امام صادق علیه السلام این گونه نقل می‌نماید: عمره، همانند حج بر مردم واجب است، البته برای کسی که مستطیع باشد؛ زیرا که خداوند می‌فرماید: «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ». همچنین، صحیح فضل ابی عباس از امام صادق علیه السلام است که حضرت درباره آیه شریفه «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» فرمود: «هُمَا مَفْرُوضَانِ» (طوسی، ۱۴۰۷، ۵: ۴۳۳). اگرچه گفته می‌شود شاید مرحوم شیخ طوسی، اولین فقیهی می‌باشد که بر وجوب عمره تصریح کرده است، اما اشاره شد که این حرف درستی نیست، بلکه مرحوم سید مرتضی قبل از او به وجوب عمره مفرده تصریح نموده است.

۵-۳. اجماع محصل و منقول

علاوه بر آنچه بیان شد، برخی از فقهای امامیه بر وجوب عمره ادعای اجماع محصل و منقول را مطرح نموده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۰/ ۴۴۱). با توجه به اینکه در این باره دلیل قرآنی و روایی موجود است، این اجماع بیشتر جنبه مدرکی یا محتمل‌المدرک دارد و به طور مستقل حجت نمی‌باشد.

۵-۲. مستندات دیدگاه دوم

لازم به ذکر است که باورمندان به عدم وجوب عمره مفرده بر عدم وجوب چنین استدلال نموده‌اند:

۱. «وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَحَمَّادٍ وَصَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَفَضَالَهَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْعُمْرَةُ وَاجِبَةٌ عَلَى الْخَلْقِ بِمَنْزِلَةِ الْحَجِّ - عَلَى مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۲۹۷).

۵-۲-۱. ارتباط عمره با حج

از یک سو، عمره بر دو قسم است: عمره تمتع و عمره مفرده، و از سوی دیگر، عمره تمتع داخل در حج تمتع است. در این صورت، زمانی عمره واجب است که حج نیز واجب باشد. از سوی دیگر، نه در آیه و نه در روایتی بیان نشده که عمره مفرده واجب می‌باشد؛ بنا بر این، اطلاقی برای اثبات وجوب آن وجود ندارد. بر این اساس، نمی‌توان با اطلاق روایات، وجوب عمره مفرده را اثبات نمود. و در صورت پذیرش اطلاق، این اطلاق مقید شده به روایتی است که دلالت دارند بر ارتباط عمره با حج. به بیان دیگر، حتی اگر اطلاق نسبت به عمره پذیرفته شود، باید با استفاده از ادله‌ای که دلالت دارند بر اینکه عمره مرتبط با حج است، از اطلاق دست کشید. معنای این حرف آن است که عمره به خودی خود واجب نمی‌باشد و عمره‌ای واجب است که مرتبط با حج باشد. از این نظر، غیرنائی‌ها، یعنی کسانی که حاضری مسجد الحرام هستند یا اهل مکه‌اند، مستثنی هستند و تنها نائی‌ها تحت اطلاق ادله قرار می‌گیرند. مستفاد از ادله، وجوب عمره است، اما به طور اجمال (حرعاملی، ۱۱ / ۲۴۰).

۵-۲-۲. اصالة البراءة

همچنین در استدلال بر عدم وجوب گفته شده که اگر اطلاق نبود یا مجمل بود، ما در وجوب عمره مفرده شک داریم و عند الشک فی الوجوب اصل برائت جاری می‌شود و نتیجه اصل برائت هم عدم وجوب است.

۵-۲-۳. سیره متشرعه

علاوه بر این، سیره مستمره نیز بر عدم اتیان عمره مفرده از سوی نائی قائم است و حتی اتیان به عمره مفرده از سوی نایبان برای حج تمتع نیز متعارف نمی‌باشد (خوئی، ۱۴۱۶ / ۲، ۱۷۵-۱۷۱). در نتیجه، معنای آن عدم وجوب عمره مفرده است.

۵-۲-۴. نقد و بررسی

این استدلال از سوی برخی از محققین مورد مناقشه قرار گرفته و در رد آن گفته شده است: این استدلال از دو جهت مخدوش است. اولاً، زمانی می‌توان ادعای

عدم اطلاق و اجمال را مطرح نمود که لفظ «عمره» مشترک لفظی باشد بین مفرده و تمتع و اگر در دلیلی امر به عمره وارد شد، باید قرینه‌ای بر تعیین باشد و در صورت نبود آن، کلام مجمل می‌شود. ثانیاً، لفظ «عمره» اگرچه اسمی است برای جامع بین عمره مفرده و عمره تمتع، اما نصوص وارد شده درباره وجوب عمره فقط در مقام افاده اصل وجوب است فی الجمله و مقتضای اطلاق ادله دلالت بر وجوب عمره دارد، و طبیعی است که عمره واجب است. نهایتاً از ادله دیگری به دست می‌آید که عمره مفرده بر فرد نائی که استطاعت برای حج تمتع دارد یا انجام داده ساقط است (سیستانی، ۱۴۳۷، ۹ / ۷۰-۶۴) و این نمی‌تواند وجوب عمره مفرده بر کسی که استطاعت برای عمره دارد و برای حج ندارد را نفی نماید. به بیان دیگر، در ارتباط با این دلیل باید گفت که بدون شک عمره تمتع مرتبط با حج تمتع است و هیچ‌گاه به طور مستقل واجب نمی‌باشد، اما دلیلی بر ارتباط عمره مفرده با حج تمتع نداریم، چنان‌که صاحب جواهر الکلام به این مطلب تصریح نموده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۴۴۳). پس این بیان نمی‌تواند عدم وجوب عمره مفرده را اثبات نماید.

ثانیاً، بر فرض پذیرش اینکه روایات دال بر ارتباط شامل عمره مفرده هم می‌شود، معنای «دخلت العمره فی الحج» با نظر به اجزاء است؛ یعنی عمره تمتع در حج تمتع، همواره مجزی از عمره مفرده است.

ثالثاً، لازمه این استدلال آن است که اصولاً عمره مفرده که به طور مستقل انجام می‌شود، اصلاً برای نائی مشروع نباشد، و حال آن‌که لم یقل به احد. اما استدلال به اصل براءت نیز زمانی صحیح است که ما دلیل نداشته باشیم و همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، ما دلیل آورده‌ایم و اثبات نمودیم وجوب عمره مفرده را.

اما تمسک به سیره، علاوه بر این‌که برای اثبات چنین سیره‌ای دلیلی اقامه نشده است، بلکه می‌توان سیره را برخلاف آن ثابت دانست، زیرا بسیاری از نایبانی که خود استطاعت برای حج ندارند، بعد از اعمال غالباً عمره مفرده‌ای را برای خود انجام می‌دهند. و لو سلمنا که چنین سیره‌ای وجود دارد، سیره در شرایطی بوده است که استطاعت برای حج منفک از استطاعت عمره نبوده، اما امروزه که ممکن است فردی برای عمره مستطیع باشد و برای حج مستطیع نباشد، قابل تمسک نمی‌باشد،

تحلیل انتقادی دیدگاه مشهور دربارهٔ عدم وجوب عمره مفرده / سید مهدی احمدی نیک و. ۲۷

زیرا اصولاً موضوع تغییر نموده و با تغییر موضوع روشن است که حکم نیز تغییر می نماید.

۶. رجوع به عام فوقانی یا اصول عملیه

در پایان بیان یک نکته مفید به نظر می رسد و آن این که اگرچه حسب ادله بیان شده، وجوب عمره مفرده جای تردید ندارد، اما با این وجود، با توجه به برخی از اشکالات، اگر فردی شک نماید که عمره مفرده واجب است یا نه، وظیفه چیست؟ رجوع به عام فوقانی یا اصول عملیه (برائت)؟

پاسخ به این پرسش آن است که در چنین موردی نمی توان به اصل برائت تمسک نمود، بلکه باید به عام فوقانی مراجعه نمود، چنان که برخی از فقیهان معاصر بعد از بیان استدلال بر این که روایات، عمره تمتع را برنائی واجب نموده و نه مفرده، در این استدلال این گونه مناقشه نموده اند که از یک سوادله ای که دلالت بر وجوب عمره تمتع برنائی می نماید، قطعاً ناظر به کسی است که مستطیع برای حج باشد نه غیر مستطیع، چه این که اتیان به عمره تمتع ممکن نیست مگر در ضمن حج تمتع و این ادله بر وجوب عمره تمتع برنائی مستطیع برای حج، تخصیص بردار هم نمی باشد. از سوی دیگر اطلاعات داله بر وجوب عمره مفرده هم نسخ نشده، زیرا ادله داله بر عمره مفرده، دلالت بر وجوب طبعی عمره دارد که هم شامل عمره مفرده و هم عمره تمتع می شود. بنا بر این، برای کسی که برای انجام عمره مفرده استطاعت دارد ولی برای عمره تمتع در قالب حج تمتع استطاعت ندارد، ما نمی دانیم به کدام یک از ادله مراجعه نماییم. در این صورت عموم فوقانی دال بر وجوب عمره به حال خود باقی است (سند، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۱۱۳).

نهایتاً، برای فرد نائی که استطاعت برای حج تمتع دارد، صحیح نیست که حج تمتع و در نتیجه عمره تمتع را رها نموده و اتیان به عمره مفرده نماید. اما برای غیر مستطیع برای حج تمتع و مستطیع برای عمره مفرده، مرجع عام فوقانی است و معنای این حرف آن است که عمره مفرده، بر کسی که استطاعت برای آن را دارد اما استطاعت برای حج را ندارد، به استناد عمومات و اطلاعات وارده واجب می باشد.

برای توضیح عموم فوقانی رجوع شود: (صدر، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۶۸۲-۶۷۷؛ آل فقیه، بی تا، ج ۱، ص ۷۰۳).

در پایان لازم به یادآوری است که روایات دال بر اجزاء حج تمتع از عمره مفرده، نه تنها وجوب عمره مفرده را نفی نمی‌کنند، بلکه یا ظهور دارند و یا مشعر به این هستند که عمره مفرده واجب می‌باشد. در غیر این صورت حج تمتع که واجب و مجزی از عمره مفرده است، نمی‌تواند و بلکه معنی ندارد که مجزی از عمره مفرده‌ای باشد که واجب نیست.

اما از حیث اصول عملیه نیز اگرچه، چنان که گذشت، برخی از فقهای معاصر برای اثبات عدم وجوب عمره مفرده به اصالة البراء تمسک نموده‌اند، اما بیان شد که اصل برائت زمانی صحیح است که ما دلیل نداشته باشیم؛ چه این که الاصل دلیل حیث لا دلیل و ما دلیل آوردیم و اثبات نمودیم وجوب عمره مفرده را، در نتیجه جایی برای تمسک به اصول عملیه نمی‌باشد.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر سعی شد درباره وجوب عمره مفرده، دیدگاه‌های فقهی و تفسیری موافق و مخالف همراه با تحلیل مستندات مطرح و مورد بررسی قرار گیرد. همچنین دیدگاه‌های لغوی نیز در معنای واژه «أَتَمُّوا» از بین چندین معجم قرآنی بررسی شده و وجه اشتراک آنها ذیل تعاریفی چند بیان گردید. به طور خلاصه، این واژه در برخی منابع به معنای «کامل کردن» و در برخی به معنای «صحت عمل» آمده است که این صحت عمل در مورد عمره با رعایت مصرف مال حلال در هزینه‌های سفر حج، انجام تمام اعمال و اجتناب از محرمات حاصل می‌شود. همچنین «أَتَمُّوا» در نظر برخی از واژه‌نگاران به معنای قیام «برپا داشتن» و کامل و تکمیل شدن ذکر شده است.

از مجموع دیدگاه‌های لغت‌شناسان در معنای این واژه چنین برمی‌آید که «قیام» به معنای برپا داشتن، مفهومی است که وجه اشتراک اکثر دیدگاه‌ها است و در واقع همه معانی گفته شده برای این لغت را دربرمی‌گیرد؛ زیرا تا عملی به طور کامل با

تحلیل انتقادی دیدگاه مشهور دربارهٔ عدم وجوب عمره مفرده / سید مهدی احمدی نیک و. ۲۹

اجزاء و شرایط مقررہ ادا نشود و در انجام آن از محرمات احرام اجتناب نگردد، صحیح نبوده و در واقع برپا داشته نشده است. براین اساس، نظرایچ دیگر که «أَتَمُّوا» را در این آیه به معنای تمام کردن عملی دانسته است که فرد آن را شروع کرده و براین اساس حکم فقهی استحباب عمره مفرده را نیز نتیجه گرفته، چندان دقیق به نظر نمی‌رسد.

بر اساس بررسی‌های انجام گرفته، نظر برگزیده با توجه به تحلیل دیدگاه‌های فقهی، تفسیری و همچنین دیدگاه واژه‌نگاران به عنوان کارشناسان ادبیات و فرهنگ عرب، آن است که بر اساس ظهور آیه ۹۷ سوره آل عمران و به ویژه آیه ۱۹۶ سوره بقره، که خداوند خطاب به کسانی که برای عمل حج یا عمره مستطیع هستند امر فرموده که آن را برپا دارند، و نیز روایات صحیح‌ای که مورد تحلیل قرار گرفت، عمره مفرده با تحقق شرایط واجب است و یا لا اقل، چنان که برخی از فقهای عظام فرموده‌اند، از باب احتیاط واجب، تکلیفی الزامی بر عهده مکلفان واجد شرایط می‌باشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم. ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۲. آل فقیه، ناجی طالب. (بی‌تا). دروس فی علم الاصول. الحلقة الرابعة، بی‌جا.
۳. ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد حلّی. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. ابن براج، قاضی عبدالعزیز طرابلسی. (۱۴۰۶ق). المذهب. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. ابن حمزه، محمد بن علی بن حمزه طوسی. (۱۴۰۸ق). الوسيلة إلى نیل الفضيلة. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۶. ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ق). المحکم والمحیط الأعظم. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار الفکر.
۸. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۱۵ق). مناسک الحج (للتبریزی). قم: دار الصدیقة الشهیدة سلام الله علیها.
۱۱. حکیم، سید محسن طباطبایی. (۱۴۱۶ق). دلیل الناسک - تعلیقة وجیزة علی مناسک الحج (للمنائینی). نجف: مدرسه دارالحکمه.

۳۰. آموزه‌های فقه عبادی، دوره ۶، بهار و تابستان ۱۴۰۴، ش ۱۰.
۱۲. حلی (علامه)، حسن بن یوسف اسدی. (۱۴۱۲ق). *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۱۳. حلی (محقق)، نجم الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*. قم: اسماعیلیان.
۱۴. حلی (محقق)، نجم الدین جعفر بن حسن. (۱۴۱۲ق). *نکت النهایة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰ق). *شمس العلوم ودواء کلام العرب من الکلام*. دمشق: دار الفکر.
۱۶. حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). *تفسیر نور الثقلین*. قم: اسماعیلیان.
۱۷. خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۲۶ق). *مناسک الحج*. قم: نشر مشعر.
۱۸. خمینی، سید روح‌الله. (بی‌تا). *تحریر الوسیلة*. قم: دار العلم.
۱۹. خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۹۳). *مناسک حج مطابق با فتاویٰ حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (ره)*. تهران: بی‌نا.
۲۰. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۶ق). *معتمد العروة الوثقی*. قم: منشورات مدرسة دار العلم - لطفی.
۲۱. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۱ق). *مناسک الحج*. قم: چاپخانه مهر.
۲۲. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). *موسوعة الإمام الخوئی*. قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی (ره).
۲۳. رحمانی، محمد. (۱۳۷۶ش). «نگاهی دوباره در حکم عمره». نشریه میقات حج، ش ۲۶، صص ۴۳-۶۰.
۲۴. رحمانی، محمد. (۱۳۷۶ش). «نگاهی به وجوب عمره همراه با حج افراد و قرآن و...». نشریه میقات حج، ش ۲۲، صص ۴۹-۶۴.
۲۵. سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۴ق). *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*. قم: مکتبه آیت الله العظمی سبزواری.
۲۶. سند، محمد. (۱۴۲۶ق). *سند العروة الوثقی*. بیروت: مؤسسة أم القرى للتحقیق والنشر.
۲۷. سید مرتضی، علم الهدی علی بن حسین. (۱۴۰۵ق). *رسائل الشریف المرتضی (جمل العلم و العمل)*. بی‌جا: دار القرآن الکریم.
۲۸. سیستانی، سید محمدرضا. (۱۴۳۷ق). *بحوث فی شرح مناسک الحج*. بیروت: دار المورخ العربی.
۲۹. صابونی، محمد علی. (۱۴۲۱ق). *صفوة التفاسیر*. بیروت: دار الفکر.
۳۰. صددی، علی فاضل. (۱۴۳۸ق). «العمره المفردة للآفاق... وجوبها وعدمه». نشریه میقات حج، ش ۴۷، صص ۱۷-۳۰.
۳۱. صدر، محمداق. (۱۴۱۷). *بحوث فی علم الأصول (عبد الساتر)*. الدار الإسلامية، بیروت - لبنان.
۳۲. صنعانی، عبدالرزاق بن همام. (۱۴۱۱ق). *تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبد الرزاق*. بیروت: دار المعرفة.
۳۳. طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۵۲). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۴. طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم. (۱۴۱۹ق). *العروة الوثقی (المحشی)*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

تحليل انتقادی دیدگاه مشهور دربارهٔ عدم وجوب عمره مفرده / سید مهدی احمدی نیک و. ۳۱

۳۵. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۸ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: بی نا.
۳۶. طریحی، فخرالدین. (۱۴۱۶ق). مجمع البحرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۷۵ق). الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد. تهران: انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیة. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۴۱. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴۲. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). التفسیر (تفسیر العیاشی)، (محقق: هاشم رسولی). تهران: المكتبة العلمية الاسلامية.
۴۳. فیاض، محمد اسحاق. (۱۴۱۸ق). مناسک الحج. قم: انتشارات عزیزی.
۴۴. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). مصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. قم: دارالهجرة.
۴۵. مقدادی، محمد علی. (۱۳۸۶ش). «عمره مفرده یا مبتوله». نشریه میقات حج، ش ۶۱، ص ۴۸-۵۶.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۴۷. نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴۸. واسطی زبیدی، سید محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی